



# ترانه‌های ترافیکی

برای

شهروند کوچک

عنوان کتاب: مجموعه ترانه‌های شهر  
شاعر: گروه شاعران  
تصویرگر: ندا عظیمی  
ناشر: مؤسسه نشر شهر  
نوبت چاپ: اول ۱۳۸۸  
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه  
تعداد صفحات: ۱۲ صفحه  
بها: ۶۰۰ تومان

## نگار نوبهار

نوجوان برای آموزش و... از جایگاه محکم و ویژه‌ای برخوردار است.

شهرداری در کنار ساخت انیمیشن‌های تبلیغاتی و آگهی‌های تلویزیونی - که بدون شک تأثیری انکارناپذیر بر این طیف دارند- به این نتیجه رسیده است که هنوز هم می‌توان از طریق ترویج کتاب و کتابخوانی، بخشی از این آموزش‌ها را صورت داد و در انتظار تأثیر و نتیجه‌ای مثبت از این اقدام فرهنگی بود. پس از نگاهی اجمالی به این مجموعه، ابتدا نقاط قوت این سروده‌ها را برمی‌شمیریم و در پایان، به ذکر برخی از کاستی‌های این مجموعه خواهیم پرداخت:

۱- «ترانه‌ها» که نام کلی این مجموعه است، به مخاطب

سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، به همت مؤسسه نشریه شهر، اخیراً طی یک اقدام ارزشمند فرهنگی، مبادرت به چاپ و انتشار یک مجموعه کتاب شعر از شاعران مختلف کودک کرده است. این کتاب‌ها که با نام‌هایی چون ترانه‌های ترافیکی، ترانه‌های عابر پیاده، ترانه‌های تاب‌بازی، ترانه‌های پارک، ترانه‌های شهروند کوچک و... منتشر شده‌اند. متعلق به گروه سنی «الف» و «ب» بوده و طی آن تلاش شده است مخاطب از طریق شعر، با یک سری از قوانین و مقررات مربوط به شهرنشینی و... آشنا شود. این فعالیت که فی‌نفسه امری مثبت و ارزشمند تلقی می‌شود، حکایت از آن دارد که هنوز هم کتاب و کتابخوانی و تأثیر آن روی قشر کودک و

**تنوعی که در  
زمینه نام شاعران  
از آن یاد شد، در  
زمینه موضوعی  
و محتوای  
سروده‌ها هم به  
چشم می‌خورد.  
نگاهی به عناوین  
کتاب‌ها و  
موضوعات مطرح  
شده در شعرها،  
از ذکر دقیق و  
جزئی بسیاری  
از موارد مبتلا به  
شهر و کودکان  
نشان دارد**

می‌گوید در این کتاب‌ها، با قالبی به نام ترانه مواجه است. البته در این مقوله، به ترانه به مفهومی که امروز در شعر بزرگسال مطرح است، نظر نداریم. ترانه در این‌جا بیشتر به شعرهای کوتاه محاوره‌ای اشاره دارد که برای کودکان سروده می‌شود؛ شعرهایی که وجه ریتم و موسیقی در آن‌ها قوی‌تر از سایر عناصر است و به دلیل همین ضرباهنگ و ریتم و نیز وزن‌های کوتاه و زبان محاوره‌ای آن‌ها، قابلیت این را دارد که به صورت دسته‌جمعی یا همراه با آهنگ (به شکل سرود) خوانده و به خاطر سپرده شود. انتخاب این قالب برای سروده‌های این مجموعه که مخاطب آن هم کودکان گروه سنی «الف» و «ب» هستند، از نقاط قوت آن محسوب می‌شود. با انتخاب این قالب، می‌توان انتظار داشت که شعرها رسالت آموزشی خود را- که شاید مهم‌ترین وظیفه و کارکرد این مجموعه باشد- بهتر انجام دهند؛ چرا که به دلیل ریتمیک بودن سروده‌ها و زبان ساده و کلمات و جملات قابل فهم آن، مخاطب راحت‌تر می‌تواند آن‌ها را بخواند و به خاطر بسپارد.

۲ - برخی از این مجموعه‌ها، سروده یکی از شاعران کودک (مثل مصطفی رحماندوست یا رودابه حمزه‌ای) است و برخی دیگر مجموعه‌ای است از سروده‌های شاعران مختلف کودک (نظیر اسدالله شعبانی، بابک نیک‌طلب، شکوه قاسم‌نیا، افسانه شعبان‌نژاد، جعفر ابراهیمی و...). این تنوع هم می‌تواند یکی از محاسن کتاب‌ها به شمار آید؛ چرا که مخاطب با زبان و بیان شاعران مختلف آشنا می‌شود و آن‌ها نیز هر یک از دیدگاه خاص خود به موضوع می‌نگرند و در نتیجه با مجموعه‌ای متنوع و جذاب روبه‌رو هستیم.

۳ - تنوعی که در زمینه نام شاعران از آن یاد شد، در زمینه موضوعی و محتوای سروده‌ها هم به چشم می‌خورد. نگاهی به عناوین کتاب‌ها و موضوعات مطرح شده در شعرها،

از ذکر دقیق و جزئی بسیاری از موارد مبتلا به شهر و کودکان نشان دارد. در این شعرها ما به همه جا سرک می‌کشیم و درباره آن شعر می‌خوانیم: از زندگی آپارتمانی در شهر تا رد شدن از خیابان و لزوم استفاده از وسایل نقلیه همگانی و نریختن زباله در جوی خیابان‌ها یا تفکیک و جداسازی زباله‌ها از هم و خلاصه ده‌ها موضوع دیگر.

۴ - کودکان به اصوات و شعر- بازی‌ها علاقه زیادی دارند و آن‌ها را راحت‌تر به خاطر می‌سپارند. در شعرهای این مجموعه، شاعران از اصوات کودکانه و حتی بازی‌های معروف و مورد علاقه کودکان به خوبی بهره برده‌اند؛ اصوات و بازی‌هایی نظیر آسُون و وِلستون- تاب تاب تاب بازی، انوجه و منوجه و...

۵ - حیوانات در شعرها و قصه‌های کودکانه جایگاه خاصی دارند. بچه‌ها همان‌طور که به عروسک‌ها و حیوانات اسباب‌بازی‌های‌شان علاقه دارند، جانوران قصه‌ها و شعرها را هم دوست دارند. کودکان می‌توانند از طریق همذات‌پنداری با این قهرمانان، خود را در جایگاه و موقعیت آن‌ها قرار دهند و علاوه بر درک بهتر موضوع، از شعر یا قصه‌های این چنینی لذت بیشتری هم ببرند. در اغلب سروده‌های این مجموعه، شخصیت‌های اصلی و قهرمانان ماجرا حیوانات و جانوران هستند؛ مورچه، جوجه‌اردک، کلاغ، گربه و... همین امر باعث می‌شود کودکان خردسال، مفاهیم موجود در شعرها را با علاقه بیشتری دنبال کنند و در نتیجه، تأثیر بیشتر و بهتری هم از آن بگیرند؛ بدون آن‌که شاعر مستقیماً از کودک بخواهد که قوانین شهری را اجرا کند.

\*\*\*

درست است که گفتیم شعرهای این مجموعه «ترانه» هستند و عنصر موسیقی و ریتم در آن‌ها وجه بارزتری دارد، اما انتظار می‌رود که چارچوب اولیه شعرهای کودکانه و قواعد ساده رعایت وزن و قافیه را دارا باشند. مواردی از اشکالات وزن و قافیه، در برخی سروده‌ها به چشم می‌خورد که به ذکر برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

بزرگم و قشنگم  
پُر گل و رنگارنگم  
فواره و حوض تمیز دارم من  
هوای پاک، زمین سبز  
نیمکت و میز دارم من

...

اما برای بچه‌ها چی دارم؟

زمین بازی دارم

(ترانه‌های پارک، جلد ۹، ۸)

نیازی به توضیح نیست که قافیه بیت آخر اشتباه است. «بازی» با «چی» هم‌قافیه نمی‌شود. گاهی تنگنای وزن و قافیه، باعث ایجاد اشکالاتی در زبان یا مفهوم شعرها شده است:

اون وقت به جای

قایم و باشک

مثل آلوچه



می‌شی لواشک

(ترانه‌های عابر پیاده، جلد ۱۴، ص ۳)

شاعر به دلیل محدودیت وزن، مجبور شده واژه «قایم‌باشک» را به «قایم و باشک» تبدیل کند!

اون کیه که تو کوچه‌ها می‌گرده؟

به دنبال زباله‌ها می‌گرده؟

دشمن آشغال و بیماریه

(ترانه‌های پارک، جلد ۹، ص ۵)

در مصراع آخر، حذف نادرست کلمه، باعث بهم‌ریختگی و نارسایی مفهوم شعر شده است. شکل صحیح آن این است: دشمن آشغال و بیماریه یا دشمن آشغال و دشمن بیماریه؛ یعنی یا باید یک‌بار دیگر کلمه «دشمن» تکرار می‌شد یا باید فعل از انتهای کلمه «آشغال» حذف می‌شد، اما به دلیل تنگنای وزن، شاعر به ناچار گفته «دشمن آشغال و بیماریه» که مفهوم صحیحی ندارد.

دلم می‌خواد هیچ نباشد زباله

کوچه ما نباشد چاله چاله

زباله‌ها مرگ و مرض می‌آرن

شادی بچه‌ها رو دوست ندارند

(ترانه‌های شهر تمیز، جلد ۶، ص ۳)

در بیت آخر، کلمه «مرض» اگرچه معنی بیماری می‌دهد، واژه مناسبی نیست. «مرضی» برای مخاطب قابل درک‌تر است.

گاهی نیز شاعر برای پُر کردن وزن، مجبور شده کلماتی در شعر بیاورد که کاملاً اضافی‌اند و به اصطلاح به آن‌ها «حشو» می‌گوییم؛ نظیر این نمونه‌ها:

بلیت خط واحد

تو دست خاله جونه

می‌خواد که با اتوبوس

خاله بره به خونه

(ترانه‌های ترافیکی، جلد ۷، ص ۶)

کلمه «خاله» در مصراع آخر، کاملاً حشو است و اگر گفته می‌شد «می‌خواد که با اتوبوس / زود برسه به خونه» مفهوم جمله تمام و کامل بود.

آقای مورچه خرید

یک کامیون عالی

می‌ریزه تو کامیون

اثاث و فرش و قالی

می‌رن به سوی سفر

با همه فامیلاشون...

(ترانه‌های عابر پیاده، جلد ۱۴، ص ۱۰)

در بیت آخر، کلمه «به سوی» کاملاً زاید است و مفهوم جمله، با «می‌رن به سفر / با همه فامیلاشون» کامل است؛ اگرچه وزن مشکل پیدا می‌کند. می‌بینید که در برخی شعرها کلمات و عباراتی به چشم می‌خورد که یا درک معنی و مفهوم آن برای کودک دشوار است و یا برای او بدآموزی دارد و بهتر

بود در این زمینه، شاعران دقت و تأمل بیشتری داشتند:

بابام به روی موتور

نشسته خرد و خسته

یه مورچه هم رو پای

بابای من نشسته

(ترانه‌های عابر پیاده، جلد ۱۴، ص ۹)

در بند فوق «خرد و خسته» برای کودک قابل فهم نیست.

... صدا می‌کرد اسممو

می‌گفت: «تو هستی نادون

چرا گذاشتی من رو

میون آشغالاتون؟»

(ترانه‌های شهر تمیز، جلد ۶، ص ۴)

«نادان» خطاب کردن کودک- در این‌جا از طرف کاغذ- وجه مطلوب و صحیحی ندارد. البته منظور شاعر ناآگاه یا غافل بوده، اما واژه مناسبی را برای انتقال آن انتخاب نکرده است.

... کنیف می‌شه، بو می‌گیره

خنده و شادیش می‌میره

پیف پیف پیف، بوگندو!

چه قدر کنیفه این جو!

(ترانه‌های شهر تمیز، جلد ۶، ص ۶)

کاربرد کلمه «بوگندو» هم برای کودکان مناسب به نظر نمی‌رسد و بهتر بود شاعران در این موارد احتیاط و دقت بیشتری به خرج می‌دادند.

در برخی سروده‌های این مجموعه، به آرایه‌ها یا صنایعی برمی‌خوریم که با توجه به گروه سنی مخاطب، درک آن اندکی دشوار به نظر می‌رسد؛ نظیر استفاده از «حسامیزی» در این شعر:

نم‌نم‌نم، بارون

بارون دونه دونه

چک چک آواز می‌خونه

سبزه صداش

سرخه و زرده و آیه صدای پاش...

(ترانه‌های شهر تمیز، جلد ۶، ص ۶)

ضمن این‌که «سبز و سرخ و زرد و آبی» بودن صدای باران، خود جای تأمل دارد!

هم‌چنین، اضافه تشبیهی «غنچه صبح» که در این‌جا استعاره از طلوع خورشید است، برای کودکان مناسب و قابل فهم نیست:

غنچه صبح که وا می‌شه

رفتگر از خواب پا می‌شه

(ترانه‌های پارک، جلد ۹، ص ۱۲)

در شعر زیر شاعر برای روایت یک داستان، نهایت استفاده از ایجاز را کرده است، اما با توجه به گروه سنی مخاطب، این ایجاز، بیشتر به ابهام شعر می‌افزاید و آن را برای کودک غیرقابل فهم می‌کند: این جوجه اردک

تنوعی که در  
زمینه نام شاعران  
از آن یاد شد، در  
زمینه موضوعی  
و محتوای  
سروده‌ها هم به  
چشم می‌خورد.  
نگاهی به عناوین  
کتاب‌ها و  
موضوعات مطرح  
شده در شعرها،  
از ذکر دقیق و  
جزئی بسیاری  
از موارد مبتلا به  
شهر و کودکان  
نشان دارد

## در برخی شعرها کلمات و عباراتی به چشم می‌خورد که یا درک معنی و مفهوم آن برای کودک دشوار است و یا برای او بدآموزی دارد و بهبتر بود در این زمینه، شاعران دقت و تأمل بیشتری داشتند

یه خورده لوسه  
دوست صمیمیش  
جوجه خروسه  
اردک به شوخی  
می‌زنه چشمک  
خروس می‌فهمه  
چی می‌گه اردک!  
سوئیچ بابا  
روی ماشینه  
منظور اردک  
بله... همینه!  
آخ چه کاری!  
بازی با سوئیچ  
یه عالمه زخم  
به خاطر هیچ!

(ترانه‌های شهروند کوچک، جلد ۱۳، ص ۸)

در واقع شاعر بخشی از ماجرا را حذف کرده و حدس آن را به عهده کودک گذاشته است. اردک و خروس سوئیچ ماشین بابا را برمی‌دارند و احیاناً سوار ماشین می‌شوند و می‌رانند و تصادف می‌کنند و یک عالمه زخم روی بدن آن‌ها ایجاد می‌شود. این بخش‌ها در شعر حذف شده و برای همین، شاید کودک تصور کند که بدن اردک و جوجه در اثر بازی با سوئیچ زخمی شده است!

گفتیم که زبان این سروده‌ها محاوره‌ای است (در اغلب شعرها)، اما در برخی شعرها یک‌دستی زبان حفظ نشده و شعر بین زبان رسمی و محاوره‌ای در نوسان است.

شعر پایانی مجموعه «ترانه‌های شهر تمیز» شعری است که هم‌وزن مناسبی ندارد و زبان آن یک‌دست نیست:

دو تا سطل گنده  
سر کوچه ماست  
پُر است از زباله  
همیشه، آن جاست  
□  
کنار دو تا سطل  
دو تا گربه هستند  
همیشه در آن جا  
نگهبان سلطند  
□

اگر پاره باشه  
دو سه کیسه آشغال  
شوند آن دو گربه  
سر حال و خوشحال

(ترانه‌های شهر تمیز، جلد ۶، ص ۱۲)

در شعر فوق، ضمن این‌که در بند اول اشکال وزنی وجود دارد (همیشه آن جاست)، زبان برخی مصراع‌ها محاوره‌ای و برخی رسمی است.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد، تصویرگری

کتاب‌هاست. تمامی تصاویر این مجموعه‌ها اثر ندا عظیمی است. تلاش شده در تصاویر از رنگ‌های شاد و زنده و اشکال کودکانه و ساده بهره‌گیری شود و در بسیاری از موارد هم تصویرگر موفق بوده، اما در برخی تصاویر به نظر می‌رسد کم‌دقتی تصویرگر، اشکالاتی ایجاد کرده است. به عنوان نمونه، می‌توان به عدم همخوانی شعر با تصویر اشاره کرد که در تصویر صفحه ۴ کتاب «عابر پیاده» مشهود است:

... چشمای راننده‌ها  
تو شب اونو نمی‌دید  
گربه‌ای چاق و سفید  
از تو کوچه سر رسید...

(ترانه‌های عابر پیاده، جلد ۱۴، ص ۴)

در شعر از گربه‌ای چاق و سفید سخن گفته شده، در حالی که تصویر، گربه‌ای قهوه‌ای و لاغر را نشان می‌دهد! و این عدم همخوانی، در ذهن مخاطب تناقض ایجاد می‌کند.

نکته‌ای که در پایان خوب است به آن اشاره کنیم، این است که مجموعه‌های این‌چنینی، با همه محاسن و نقاط قوتی که دارند، گاهی به دلیل تعجیل در مراحل سرودن، آماده‌سازی و چاپ، دچار کم‌دقتی و سهل‌انگاری‌هایی می‌شوند. به عنوان مثال، برخی از شعرهایی که در بعضی از کتاب‌های این مجموعه آمده است، هیچ ارتباطی به موضوع کتاب مربوط ندارند و شاید تنها برای پُر کردن کتاب و به حد نصاب رسیدن شعرها، در کنار سروده‌های دیگر آمده‌اند. برخی شعرها اصلاً شعر نیستند و تنها نظمی خالی از هرگونه شاعرانگی‌اند. بهتر بود این موارد نیز از مجموعه حذف می‌شد. اشکالات دیگری نیز به دلیل این تعجیل و کم‌دقتی، در مجموعه مشاهده می‌شود؛ به عنوان مثال، در شعر «رقص گل» می‌خوانیم:

گلم کجاست؟ تو خونه  
باغه و باغچه‌مون  
(ترانه‌های خانه، جلد ۱۰، ص ۶)

که صحیح آن، این است:  
گلم کجاست تو خونه  
باغه و باغچه‌مونه

و یا هم‌قافیه شدن کلمات «نعناع» و «زیبا» در بیت زیر:  
کنار هم چیده تمیز و زیبا  
ریحون و ترخون و شوید و نعناع!

(ترانه‌های نوروزی، جلد ۸، ص ۱۱)

که به نظر می‌رسد در اثر بی‌دقتی و تعجیل رخ داده است، نه بی‌اطلاعی شاعر!

با آرزوی این‌که شهرداری که در عرصه‌های فرهنگی هم گام نهاده، با کمک گرفتن از ویراستاران با تجربه و اعمال دقت و وسواس بیشتر در چاپ چنین مجموعه‌هایی، از این پس مجموعه‌هایی محکم و قابل دفاع چاپ و منتشر کند و شاعران مطرح کودک که نام اغلب آن‌ها را در این مجموعه می‌بینیم، برای سایر مجموعه‌ها با حوصله و وسواس بیشتری شعر بسازند.

